



خرمشهر در آئینه یادها...

عطاء الله نادری

مظهر ماندن و استقامت بود. مسجد جامع خرمشهر، مادری بود که فرزندان خویش را زیر بال و پر گرفته و در بی‌پناهی پناه داده بود و تا بود مظهر ماندن و استقامت بود. آنگاه نیز که خرمشهر به اشغال متجاوزان درآمد و مدافعان ناگزیر شدند به آن سوی شط خرمشهر کوچ کنند؛ باز هم مسجد جامع، مظهر همه آن آرزوهایی بود که جز در بازپسگیری شهر برآورده نمی‌شد. مسجد جامع، همه خرمشهر بود. خرمشهر از همان آغاز، خونین شهر شده بود. خرمشهر خونین شهر شده بود تا طلعت حقیقت از افق غربت و مظلومیت رزم‌آوران و بسیجیان غرقه در خون ظاهر شود. و مگر آن طلعت را جز از منظر این آفاق می‌توان نگریست؟ آنان در غربت جنگیدند و با مظلومیت به شهادت رسیدند و پیکرهاشان زیر تانکهای شیطان تکه تکه شد و به آب و باد و خاک و آتش پیوست.

اما... راز خون آشکار شد. راز خون را جز شهدا در نمی‌یابند. گردش خون در رگهای زندگی شیرین است اما ریختن آن در پای محبوب، بسی شیرین تر... راز خون در جانی جلوه می‌کند که حیات بدان وابسته است. اگر خون یعنی همه حیات... و از ترک این وابستگی دشوارتر هیچ نیست؛ پس، بیشترین بهره از آن کسی است که دست به دشوارترین عمل بزند. راز خون در آنجا گشوده می‌شود که محب، خود را به محبوبی می‌بخشد که این راز را در می‌یابد. آن کس که لذت این سوختن را چشید؛ در این ماندن و بودن جز ملالت و افسردگی هیچ نمی‌یابد. آنان که از مرگ می‌هراسند از کرپلا می‌گریزند. مردان مرد، جنگاوران عرصه جهادند که حقیقت را از میان هواپه آتش جسته‌اند. آنان ترس را مغلوب کرده‌اند تا فتوت آشکار شود و راه فنا را بیاموزند. وقتی که کار آن بسی دشوار شد و ماندن در خرمشهر معنای شهادت گرفت، هنگام آن بود که شیعی عاشورایی برپا شود و کرپلائین پای در میدان آزمونی دشوار بگذارند... کرپلا مفر عشاق است و شهید سید محمد علی جهان‌آرا چنین کرد تا جز شایستگان کسی در آن استقرار نیابند. شایستگان، آنانند که قلبشان چنان از عشق آکنده است که ترس از مرگ را در آن راهی نیست. شایستگان جاودانند؛ حکمرانان جزایر سرسبز آقیانوس بی‌انتهای نور؛ نوری که پرتوی از آن، همه کهکشانهای آسمان دوم را روشن بخشیده است.

آزادسازی خرمشهر، ضربه‌ای سهمگین و کمرشکن به توان رزمی و جنگ طلبیهای دشمن مهاجم وارد ساخت. کوتاه سخن اینکه عملیات بیت‌المقدس به عنوان برجسته‌ترین عملیات پدافندی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، در تاریخ نظامی ۸ سال دفاع مقدس ثبت شده است. اگر امروز در هر شهر و روستا به گلزار شهیدان گذر و تاریخ نقش بسته بر سنگرها را مرور کنیم، خواهیم دید که مجموعه شهیدان سوم خرداد ۱۳۶۰، نمونه کوچکی از رشادتهای ملت مقاوم ایرانند که چونان سپهری پر ستاره می‌درخشد. شادبهای به یاد ماندنی خودجوش و سراسری پس از آزادسازی خرمشهر نیز برگ دیگری از این حماسه ملی بود و نشان داد که مردم سراسر اقطار و بلاد ایران، اعم از آن که هرگز خرمشهر را به چشم دیده باشند یا نه، چگونه از شنیدن خبر این پیروزی ساعتها به دست افشانی و پاکوبی پرداختند و هزیمت دشمن اشغالگر را از خاک میهن جشن



مسجد جامع خرمشهر، قلب شهر بود که می‌تپید و تا بود؛ مظهر ماندن و استقامت بود. مسجد جامع خرمشهر، مادری بود که فرزندان خویش را زیر بال و پر گرفته و در بی‌پناهی پناه داده بود و تا بود مظهر ماندن و استقامت بود. آنگاه نیز که خرمشهر به اشغال متجاوزان درآمد و مدافعان ناگزیر شدند به آن سوی شط خرمشهر کوچ کنند؛ باز هم مسجد جامع، مظهر همه آن آرزوهایی بود که جز در بازپسگیری شهر برآورده نمی‌شد.

گرفتند. سوم خرداد یک حماسه ملی است. اگر حضور ملت در صحنه جبهه‌های دفاع نبود، نه حماسه آن پیروزی تحقق پیدا می‌کرد و نه حماسه حضور مردم در جشن پس از پیروزی؛ لذا به حق می‌توان گفت پاسداشت فتح خرمشهر در گرو پاسداشت حضور مردمی در همه صحنه هاست.

مسجد جامع خرمشهر، قلب شهر بود که می‌تپید و تا بود؛

در خیال خرمشهر که کنار کارون آرام نشسته بود، هیچ صدای خمپاره‌ای نبود. نخلستانهای صدای چرخهای تانک را تا آن روز نشنیده بود، تا شهریور ماه ۵۹ که خرمشهر، خونین شهر شد.

پس از گذشت روزهای تاریک و پر رنج اسارت، در سوم خرداد ۱۳۶۱ شهر از اشغال درآمد. خرمشهر نخلهای سوخته، نخلهای بی‌سر. فتح خرمشهر (سوم خرداد ۱۳۶۱) در تاریخ جنگ ایران و عراق از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

خبر آزادی خرمشهر آن چنان شگفت‌آور بود که در سراسر میهن اسلامی ما مردم را به وجد آورد. با اعلام خبر فتح خرمشهر، مردم ایران به سان خانواده‌ای بزرگ که فرزند از دست رفته خود را باز یافته است؛ اشکهای شادی و شغف خود را نثار روح شهدای حماسه‌آفرین صحنه‌های شورانگیز این نبرد کردند. برای پی بردن به عظمت این نبرد حماسی کافی است بدانیم که نیروهای متجاوز عراق پیش از نبرد سرنوشت ساز رزمندگان ما برای آزادی خرمشهر، در اطلاعیه‌ای به نیروهای خود دستور داده بودند که دفاع از خرمشهر را به منزله دفاع از بصره، بغداد و تمام شهرهای عراق محسوب کنند. همچنین تجهیزات و امکانات دفاعی دشمن در این منطقه نشان می‌داد که عراق، خرمشهر را به عنوان نماد پیروزی خود در جنگ به حساب آورده و قصد داشته است به هر قیمتی، این شهر را در تصرف نیروهای خویش نگه دارد. هنگامی که مرحله اول و دوم عملیات بیت‌المقدس به پایان رسید و رزمندگان ما در اطراف خرمشهر مستقر شدند، رادیوی رژیم بعثی، می‌کوشید در تبلیغات کاذب خود، حضور نیروهای عراق را در خرمشهر به رخ بکشد تا توجیهی برای ترمیم روحیه نیروهای شکست خورده و رو به هزیمت عراق دست و پا کند. فتح خرمشهر در زمانی کمتر از ۲۴ ساعت، موجب شد که بخش قابل توجهی از نیروهای مهاجم عراقی به اسارت نیروهای جمهوری اسلامی ایران در آیند. نبرد بزرگ، سرنوشت‌ساز و غرور آفرین بیت‌المقدس که برای رها سازی خرمشهر از سلطه نیروهای مهاجم عراقی انجام شد، از دهم اردیبهشت ماه تا چهارم خرداد ما ۱۳۶۰ به طول انجامید. این نبرد حماسی علاوه بر پایان بخشیدن به ۱۹ ماه اشغال بخشی از حساس ترین مناطق خوزستان و